

سیری برجرفایای تاریخی طالقان، (استان البرز)

وحید ریاحی^۱، معصومه رفیعی^۲

^۱ دانشیار دانشگاه خوارزمی تهران

^۲ دانشجوی دکتری نظام سیاستگذاری در برنامه ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی تهران

نام نویسنده مسئول:

وحید ریاحی

چکیده

مطالعه جغرافیای تاریخی به عنوان علمی که به تحلیل سیر تحولات مکانهای جغرافیایی در بستر زمان می پردازد، در راستای درک فضاهای جغرافیایی ونحوه سامانیابی این فضاها حائز اهمیت است. بررسی پیشینه تاریخی مکانهای جغرافیایی، پژوهش های علمی را به سمتی رهنمون می کند تا به منظور فرآیندهای مربوط به برنامه ریزی بستی فراهم آید و از نقب زدن در درازنای تاریخ، سیوررت تکون باشندگان زمین آشکار گردد. پی بردن به رویدادهای تاریخ در محدوده زمان وگستره مکان به شناخت روندهایی می انجامد که به فراخور خود می تواند زمینه رهیافتهای آتی را مهیاسازد. با در نظر گرفتن خاستگاه اولیه شهرستان طالقان دردوره های باستانی، اسلامی ومعاصر طی گشت های تاریخی محل حدوث وقایع، سنگ بنای تمامیت پژوهش های جغرافیایی در بستر مکان را می سازد. بنابراین این پژوهش در پی بررسی روند سیر گذارهای تاریخی در این منطقه است تا از این فراز رهنمونی فراهم گردد که به مدد آن بازاندیشی جدیدی حاصل آید.

واژگان کلیدی: جغرافیای تاریخی، طالقان، البرز

مقدمه

طالقان به رغم داشتن قابلیت ها و توانمندی های جغرافیایی و داشتن منابع غنی فرهنگی، سنتی و آداب و رسوم منحصر بفرد خود، کمتر بدان پرداخته شده و به عبارتی درمغاک نسیان رها شده است. ابهام در تعیین هویت تاریخی مناطق ناشناخته، می تواند موضوعیت اساسی نوشتارهای جغرافیای تاریخی باشد و علاوه بر آن کاربست اینگونه مطالعات درنضج گفتمانهای توسعه و امر سیاستگذاری موثر باشد. درواقع با مذاقه در سابقه تاریخی طالقان و سیر تطورات فرهنگی که این منطقه در گستره زمان داشته است؛ رخنمون گزاره های اقتصادی و شیوه معیشت ساکنان، شالوده تحولات پیش گفته را ساخته و بایسته هایی را فراهم آورده که امروزه به پایایی نظام خاص سکونت گزینی در محدوده مورد نظر انجامیده است. براین اساس مقاله حاضر در پی واکاوی نحوه سازمانیابی معیشت به گونه ای که امروزه شکل گرفته است و بازتولید سازوکارهای سکونت یابی برپایه ساختارهای مذکور طی دورانهای تاریخی در منطقه طالقان از لحظه برپایی و استقرار سکونتگاههای انسانی تا عصر کنونی است.

- روش تحقیق

مقاله حاضر با توجه به آنکه با ارجاع به مستندات تاریخی و جغرافیایی کهن پایه ریزی شده از نوع کیفی و تحلیلی است بنابراین با در نظر گرفتن ماهیت کیفی، پژوهش از نوع نظری-بنیادی و براساس روش فراتحلیل با استناد بر منابع معتبر، دست اول و اصیل تدوین شده است که به بررسی تطورات معیشتی منطقه مورد مطالعه با رویکرد جغرافیای تاریخی پرداخته شده است. در این راستا روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش های کتابخانه ای، بصورت مروری و استدلالی است که درواقع به نوعی از رویکرد هرمنوتیکی و ارزیابی پیشینه تاریخی در راستای پژوهش مورد نظر استفاده شده است.

- واژه شناسی

طالقان در منابع قدیمی گاه "طایقان" خوانده شده، بصورت "تارکان، تالاکین، تالکان و تایگان" نیز استعمال شده است که از ریشه تالکان گرفته شده است و معرب این واژه است (چکنگی، ۱۳۷۸، ۱۰۶). به عبارتی از یک منظر تبار این واژه بازمی گردد به "تلک یا سنگی سفید و براق معرب طلق" (دهخدا، ۱۳۷۷). در مجموع طالقان از دیدگاه لغت شناسی متشکل از یک اسم یعنی "تل" یا "تله" به معنی پرتگاه، بلندی و محل گرفتار شدن به انضمام پسوند "قان" یا "کان" است. بنابراین طالقان به معنای مکانی بلند، سرزمین بلندی ها یا به عبارت دیگر کوهستان است. گفتنی است وجود این ارتفاعات بلند در طالقان معمولا ورود و خروج بیگانگانی که به گذرگاههای آن آشنا نبودند را بسیار دشوار می نمود.

- محدوده مورد مطالعه

حدود جغرافیایی طالقان به اختلاف نگاشته شده است برخی آن را رستاق، بعضی شهر و دسته ای بلوک می نگرند، آراء مولفین در این که طالقان متعلق به کدام ناحیه است مختلف است. به طور کلی از گذشته تا به امروز طالقان به چند منطقه اطلاق می شده:

- شهری در خراسان بزرگ بر سرحد گوزگانان و میان بلخ و مروالرو که امروزه مرکز استان تخارستان در شمال خاوری افغانستان است؛
- منطقه ای در حوالی استان قزوین در شمال کشور ایران؛
- روستایی در بخش احمد سرگوراب شهرستان شفت استان گیلان؛
- منطقه ای در اصفهان بین لنجم و سمیرم؛
- منطقه ای گسترده از شیراز قدیم از قصر ابونصر تا مسجد عتیق (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ۱۱۳)؛ (اصطخری، ۱۳۴۰، ۱۶۹).

موقعیت جغرافیایی طالقان نیز در منابع قدیمی با تنافی هایی ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می شود:

از حد دیلم تا استرآباد و از آنجا تا دریا بیشتر از یک روزست و آنچه ازین اقلیم متصل است به قزوین و غیره: اول شهر ابهر و زنجان و طالقان و قصر برادرین (اصطخری، ۱۳۷۷، ۲۱۶). از بالای کوههای دیلم یک خط منحنی از شهرها فضای باز را احاطه کرده، این شهرها از سمت راست زنجان، ابهر، قزوین، ری، سمنان، دامغان و بسطام هستند و وسط این فضای باز کوه دماوند رسم شده و سمت راست آن نیز طالقان است و از سمت چپ قزوین به سمت بالا به قم می رسد (ابن حوقل، ۱۵۱ تا ۱۳۴۵). کوره ایست مشتمل بر قری به قهستان، میان قزوین و جیلان در جبال دیالم، محلی است میان قزوین و گیلان و دهستانی در کوهستان دیلمان (زکریای قزوینی، ۱۳۷۱، ۱۶۲). طالقان نام دوشهر است یکی در خراسان و مروالرو و بلخ و دیگر شهر و رستاقی است بین ابهر و قزوین مشتمل بر چند قصبه (حموی، ۱۳۸۳، ۴۹۲). طالقان در بلاد جبل و آن شهری است و کوره ای میان قزوین و ابهر، که به دیلم نزدیک تر است تا قزوین (ابوالفداء، ۱۳۴۹، ۴۸۷). اسم و شرح طالقان در کتب جغرافی و تاریخ عرب و عجم مسطور و مذکور است بعضی آن را

ولایت نوشته و بعضی رستاق. در این که این ناحیه از متعلقات کدام ولایت است نیز اختلاف نظر وجود داشته است. بعضی آنرا جزو طبرستان دانسته، زمره ای داخل در خاک گیلان. جماعتی از اعمال ری و برخی طالقان را متعلق به قزوین خوانده و نگاشته اند و اما می توان گفت بعضی احیان طالقان خود ناحیه و ولایتی مغرور و مستقل بوده است (صنیع الدوله، ۱۳۰۱، ۱۱). سفید رود پس از عبور از سلسله کوههای البرز دریک مجرای پیچ درپیچ درانتهای غربی ساحل جنوبی دریای خزر به آن دریا می ریزد، دلتای سفید رود که از جنوب و غرب نیمدایره بزرگی از تپه ها و کوههای پوشیده از جنگل بر آن احاطه کرده که ایالت گیلان است و غربها آن را جیلان می گفتند و شامل ولایت ونواحی کوهستانی هم می گردید در جنوب و غرب ایالت آن قسمت از اقلیم جبال که روبروی کوههای طالقان و طارم از ایالت جبال است را "بلاد دیلم" نامیدند (مشکور، ۱۳۹۳، ۳۱۲). کوههای دیلمان و مازندران به دو قسمت تقسیم می شوند: کوههای لاهیجان و لنگرود، کوههای خرزان و طالقان که به واسطه دره شاهرود از کوههای فوق جدا می شوند، ورشته اصلی البرز که دراوستا "کوه بلند" نامیده شده نیز از کوههای طالقان شروع شده و تا دره هراز ممتد است (کیهان، ۱۳۱۰، ۳۷). در مجموع ذکر طالقان نام دوموضع است یکی در خراسان و دیگری در قرب قزوین، طالقان قزوین مشتملست بر فرای دلنشین اکثر آن در جبال واقع شده (شیروانی، ۱۳۸۹، ۳۲۳). طالقان در حال حاضر در ۱۴۰ کیلومتری شمال غرب تهران و در شمال ساوجبلاغ قرار دارد و ۱۱۸۶ کیلومتر مربع وسعت دارد. شهر طالقان به لحاظ قرار گرفتن در رشته کوههای البرز میانی، دارای آب و هوای کوهستانی و بیابانی است به همین دلیل جمعیت ثابت و متغیر آن متفاوت است، هم اکنون نیز طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۸۴ آبادی است که اکثر اسامی روستاهای مذکور از ریشه زبان پهلوی ساسانی یا از عربی گرفته شده است همچون: نساء، ابصار و حسن جون (یعقوبی، ۱۳۷۵، ۲۲). امروزه نیز مرکز شهرستان طالقان استان البرز گردیده، تآمدتی پیش منطقه مورد نظریختی از شهرستان ساوجبلاغ استان تهران بود. طالقان از بهم پیوستن چهار منطقه شهرک، گلینک، کولچ و پرده سر تشکیل شده است. از طرف مشرق محدود است به کوه عسلک و گردنه انگران که حد فاصل طالقان با آزادراست، از طرف مغرب به کوه انکه و گردنه کالانک مربوط است، از طرف شمال نیز به کوههای عقیق و صاد و بادسر و گردنه هزارچم که این کوهها در قسمتی طالقان را از کلاردشت و در قسمتی دیگر از تنکابن جدا می نمایند. از طرف جنوب به کوه کاهار و گردنه مامشکه مجاور است و این کوه در حقیقت طالقان را از ساوجبلاغ جدا می کند. ارتفاعات این منطقه از ویژگی های جغرافیایی بارز آن محسوب می شوند، طالقان دارای ۳۸ قله ی بالای چهار هزار متر است که معروفترین آنها شاه البرز به ارتفاع ۴۲۵۰ متر، سات ۴۱۰۰ متر، کلوان ۴۰۸۰ متر، میش چال ۴۰۷۰ متر، گردون کوه ۴۳۳۸ متر است. شرقی ترین نقطه طالقان روستای گراب و گردنه عسلک تحت فرمانداری کرج و جاده چالوس است، غربی ترین نقطه آن روستای پرگه و گردنه انکه که به ناحیه الموت و استان قزوین ختم می شود که فاصله این دونقطه و طول ناحیه طالقان حدود ۶۸۱۰۰ متر و عرض آن از شمالی ترین تا جنوبی ترین نقطه که قلعه ارژنگ و ارتفاعات شمال روستای آرتون است حدود ۱۲۷۰۰ متر است. بیشتر روستاهای طالقان در دامنه ارتفاعات شمالی و جنوبی منطقه واقع شده اند و تنها تعدادی از آنها نظیر گته ده، جوستان، شهرک و شهراسر در مجاورت رودخانه شاهرود قرار دارند. در بیشتر نقاط فاصله میان روستاهای دامنه ارتفاعات را دره های بسیار عمیق قطع کرده و این امر موجب دشواری دسترسی روستاها با یکدیگر شده است. به این ترتیب دوری و برکنار بودن طالقان از راههای ارتباطی جدید و قدیم یکی از عواملی بوده است که نقش دوگانه ای را برای آن رقم زده است. یکی عدم پیشرفت و ترقی و توسعه بخصوص در زمینه شهرسازی و تشکیلات اجتماعی و توسعه همه جانبه و دیگری فراهم شدن مکانی دنج و امن برای کسانی که با حکومت ها، سلسله ها، طوایف و قبایل، فرقه های ملی و مذهبی و گروههای سیاسی مخالفت و ضدیت داشتند. همچنین پدیده رانش زمین باعث از میان رفتن بسیاری از روستاها و قصبات شده است که وجود دهها نقطه تاریخی نظیر ارچیلان، خانه مالان، مرغ استل و خرابه های تلو این مدعا را اثبات می نماید.

- مبانی نظری

- نخستین ساکنان

شواهد تاریخی حاکی از آن است که مدنیت در برخی از بخش های طالقان به بیش از ۴۰۰۰ سال پیش می رسد، در این رابطه نقشه ای که دکتر هانس بوبک در سال ۱۹۳۴ در مقیاس یک صد هزارم از کوهستانهای تخت سلیمان در جنوب روستای "پراچان" از توابع طالقان و سلسله جبال البرز تهیه کرده است نیز گویای این مساله است (بوبک، ۱۰ تا ۱۳۳۵). اولین قوم ساکن در طالقان (مرد) که به نامهای "آمرد، مرد، مرت، مرتیه، مرتی،

آمرت، مردوی، امردی، آی مردی، جانمردی و جوانمردی" به زبان سکایی (amard) و به زبان پهلوی (amui)، آنان قومی آریایی و سکایی اند در شمال ایران و مجاورت رود آمردوس که تاتها و دیلیمان فرزندان آنها هستند. ابتدا در اکثر کشورهای آسیای باختری پراکنده بودند و به تدریج در اثر فشار قبایل مختلف در منطقه ای متمرکز شدند (اشپیگل و دیگران، ۱۳۴۳، ۲۷۸). آماردها قوم گسترده ای پیش از آریایی بودند که به وسیله اقوام مهاجر ایرانی به نواحی کوهستانی به عقب رانده شدند (مارکوارت، ۱۳۷۳، ۲۵۶). محدوده استقرار قوم آمارد از لاهیجان تا بابل امروزی و مرکزشان آمل بود. مردها در رشته های اقتصادی گله داری، دامپروری، شکار و کشاورزی مهارت داشتند و اعتقادات آنها نیز ترکیبی از خدایان مربوط به جامعه شبانی و عصر شکار دوران یکجانشینی و کشاورزی بوده است و خدایانی که سمبل و مصداق های عینی و عملی و باورهای "پلی ته ایستی" بود را می پرستیدند. آنان در دوران پیش از فئودالیسم می زیستند به این معنا که گروهی صحرانشین و دامدار بوده و گروهی نیز اسکان یافته و به ظن قوی جماعت روستایی داشتند (کشاورز، بی تا، ۲۱). این گروه از اوایل قرن ششم قبل از میلاد استقلال داشته و از هیچ یک از پادشاهان چه قبل از اسلام چه بعد از آن پیروی ننمودند. تاریخ طالقان تابع تاریخ قوم مارد بوده و یا دست کم از حوادث تاریخی، مذهبی و اجتماعی مردم این منطقه به دور نبوده است. آماردها میان کادوسی ها و تپوری ها یعنی در بخش های کنونی آمل، نوشهر، شهنسوار، تنکابن، طالقان و رودبار الموت می زیسته اند (گلریزی، ۱۳۸۲، ۲۴). واژه مارد در گات ها به صورت "مرت" که در فرس هخامنشی مرتبه، در پهلوی "مرتوم" و در فارسی "مردم" آمده است. حضور پنج قوم «آمرد»، «تپور»، «گیل»، «دیلم» و «تالوش» در شمال ایران، کهن ترین دانسته هایی است که از این منطقه به دست آمده. نباید «آمردها» را با «مردی ها» اشتباه گرفت؛ آمردها ماد تبار و مردی ها پارس تبار بودند. از این رو، باستان شناسان بر این باورند که تپوری ها در بخش های کوهستانی و «آمرد» ها در بخش های جلگه ای استان مازندران ساکن بوده اند. ماردها قبل از مهاجرت آریایی ها ساکن بومی ایران بودند. آماردها اعم از اینکه با واسطه یا بی واسطه طایفه گل یا گلیا همسایه کادوسان بوده باشند حد غربی سرزمین آنها در پی سفید رود (آماررود) و حد شرقی آن به تنگه طبیعی چالوس می رسید که در آنجا قوم مازنی و تپوری مجاور می شدند، ماردها قبل از آمدن آریایی ها بین کادوسیان و تپوری ها بوده اند یعنی از رود آمل یا آراز به طرف مغرب و تنکابن امروزی (پیرنیا، ۱۳۸۰، ۱۹۵۳). در عهد قدیم سکنه گیلان یا کادوسیان در قید اطاعت از دولت هخامنشی نبودند که بدانها گیلوی هم می گفتند، در شرق این سامان ماردان یا آماردان سکونت داشتند که قوم تاپوران در مازندران کنونی یا تاپورستان که اشتقاق نام مازندران نیز از همین طایفه است و رودخانه سفید رود را به نام قبیله "آمردیوس" نام برده اند (بارتولد، ۱۳۰۸، ۲۸۲). طایفه مارد از طوایف جنگجو در ساحل دریای خزر و چادر نشین بودند آنها ششصد سال قبل از میلاد درامکنه خود مسلط بوده اند و باجی به سلاطین ایرانی نمی دادند و گفته شده کاسپین نام طایفه ای است که در ساحل جنوبی بحر خزر سکنی داشته و از شعب مازند آمارد است (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۳، ۳۶). طبق بررسی برخی منابع تاریخی در ارتباط با قدمت اولین سکونتگاههای روستایی در طالقان نیز گویا سرزمین شاهک نشین مادستان و دیار پریکانیان مادی در ماد شرقی در مسیر شاهراه خراسان بزرگ و در نزدیکی ری باستان در روستایی به نام باریکان از توابع طالقان امروزی بوده است که در این سوی فلات ایران نیز رشته کوههای البرز که به مانند دژی باریکان و سرزمین پریان مادی را در دل خود پناه داده، واقع شده اند. این روستا همان جایی است که کوروش پارسی پدر بزرگ مادی خود یعنی "ارشی وئیگ" را به آنجا تبعید کرده بود و در حقیقت برای شاهنشاه پر شوکت ماد هولناک تر از تبعید به ولایتی کوهستانی و پرت افتاده چیزی نبود گویا در زمان کوروش هخامنشی این کوهستان به نوعی تبعیدگاه محسوب می شده است (Diakonoff, 1956, 192). به عبارتی به این سرزمین از آن جهت دیار پریکانی گفته شده که پریان یا خدایان ماده را می پرستیدند و این مساله مخالف با دین زرتشتی در آن زمان بوده است به همین خاطر برخی مورخان صراحتاً اینان را مادهای ناآریایی یا مادهای نخستین می خوانند و تاریخشان را مقدم بر تاریخ ماد می شمردند (pasek, 1906, 282). همچنین براساس فهرستی که از آثار و بناهای تاریخی طالقان توسط حوزه بخشداری این منطقه مستندسازی شده است قدیمی ترین روستاهای طالقان ۴۰۰۰ سال قدمت دارند، آثار بجای مانده از بناهای تاریخی همچون تپه ها و محوطه های باستانی، قبرستان، قلعه ها و غارها نیز گویای این واقعیت است (بخشداری طالقان، ۱۳۸۰).

– طالقان پیش از اسلام

با توجه به بررسی های باستانشناسی در طالقان آثاری از هزاره دوم و اول قبل از میلاد کشف شده که سکونت گاه اقوام مهاجر شمالی بوده. برپایه شواهد تاریخی ماردها قومی چادر نشین و بیابانگرد بودند که در درون غارها و شکاف کوهستانها زیست می کردند، این قبایل از اوایل قرن ششم قبل از میلاد استقلال داشته و از هیچیک از پادشاهان پیروی ننمودند (مرعشی، ۱۳۶۴، ۱۵). با توجه به آنکه حدود زندگی قوم مارد در کنار سفید رود بین تپوری ها و کادوزیان قرار داشته است می توان اذعان داشت تاریخ طالقان از از رخدادهای این قوم نشأت گرفت است. در واقع چون محل زندگی این

مردم به لحاظ جغرافیایی از موقعیت سختی برخوردار بود، هیچ مرد جنگی قبل از اسکندرمقدونی به این سرزمین نیامده بود، به طوری که گفته شده جنگ فرهاد اشکانی با ماردها در دوره پادشاهی اشک پنجم به درازا کشید و تحت تابعیت پادشاهان درنیامدند و پادشاه پارتها فرهاد اول در سال ۱۷۶ قبل از میلاد مسیح آمدها را به ناحیه خوار در مشرق ورامین کوچ داد (رابینو، ۱۳۳۶، ۱۰). دیلمیان از ابتدا در جنگل و کوهستان می زیستند و مردمی جنگجو و در فن رزم به مهارت معروف بودند همچنین کمتر زیر سلطه حکمرانان و پادشاهان مرکزی ایران می رفتند. این مردم در زمان ساسانیان، هخامنشیان و اشکانیان فرمان پذیر نبودند و به همین خاطر در طالقان کمتر آثار دوران پادشاهی حکام متمرکز دیده می شود، همچنین قبل از حمله اسکندر به ماردها به سال ۳۳۱ ق.م کسی به منطقه تحت سلطه آنان هجوم نیاورد و پس از حمله اسکندر نیز مجدداً مستقل شدند (پیرنیا، ۱۳۸۰، ۱۹۵۳). سرزمین ماردها در زمان مادها بصورت مستقل اداره می شد و تحت تسلط مادها قرار نگرفتند. گفته شده آنان به همراه شش طایفه دیگر به کورش کمک کردند تا بر آستیاک ظفر یابد، هخامنشیان به منظور جلوگیری از شورش ماردها به آنان باج می دادند و آنان نیز یکی از متحدان هخامنشیان به شمار می رفتند (ستوده، ۱۳۵۰، ۹۸). مجموع گزارشات مورخین براساس مدارک تاریخی حاکی از آنست که طالقان از زمان اسکندرمقدونی (۳۳۰ ق.م) تا دوران سلطنت قباد (۴۹۶ م) در دست خاندان گشنسب بوده است و در نامه تنسر، ۱۳۵۴، ۴۹؛ (مارکوارت، ۱۳۷۳، ۲۵۶). فرهاد پنجم اشکانی پس از پیروزی بر این قوم آنان را وادار به سکونت در شهر خاراکس در دروازه خزر در ایوانکی امروز کرد. در واقع اسکان دادن آنان در این منطقه به منظور حفظ شاهراههای تجاری بود که درازای آن همچون هخامنشیان به آماردها مقرر می پرداختند (میرابولقاسمی، ۱۳۶۹، ۳۸). پس از کوچ داده شدن آماردها توسط فرهاد اشکانی آنان به مرور چنان ضعیف شدند که دیگر نتوانستند آن انسجام و اقتدار خود را حفظ کنند چنانکه در تقسیمات ایران دوره ساسانی سرزمین دیلم از قزوین تا کلاردشت امتداد داشت پس از آن دیگر از قوم آمارد در مدارک تاریخی یادی نمی شود و به مرور به سلسله های کوچک و بزرگ تقسیم شدند (خوچکو، ۱۳۵۴، ۴۲). با انقراض آل گشنسب، کیوش پسر بزرگ قباد به حکومت این ولایات رسید که پس از کشته شدن وی به دست برادرش انوشیروان، فرمانروایی این ناحیه به آل قارن یا سوخرانیان داده شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳، ۷۹). در سال ۲۲ هجری مصادف با گسسته شدن رشته استقلال ایران از دیلمان مردی بنام مورتا برای راندن تازیان با نعیم بن مقرن (یکی از سرداران بزرگ سپاه اسلام که در سال بیست و دوم هجری ری را برای اعراب فتح کرد) به جنگ پرداخت ولی مورتا پس از نبرد سختی شکست خورد و کشته شد. تازیان نیز ری و قزوین را گشودند اما از حدود قزوین خارج نگشته و آنجا را به رسم ساسانیان "ساخلوگاه" خود ساختند (کسروی، ۲۵۳۵، ۹).

– طالقان پس از اسلام

در هنگام حمله تازیان به ایران و پس از نبرد آنان با مورتا سرتاسر طبرستان در قلمرو دو خانواده مقتدر ایرانی یعنی آل قارن و ملوک گاوباره بود که از آغاز حمله اعراب نفوذ و ندادیان بر ناحیه کوهستانی به دست گیل گاوباره سرسلسله ملوک گاوباره از رویان کوتاه گردید (کریستن، ۱۳۶۷، ۸۶). مورتا در جنگی که در واجرود بین قزوین و همدان رخ داد به همراه عده کثیری از ایرانیان کشته شد که گفته شده این جنگ از نهبوند و قادیسیه چیزی کمتر نبود و طی آن لشکر ایران پراکنده و تارومار شد (طبری، ۱۳۶۸، ۱۹۷۲). پس از مرگ گیل گاوباره از سال ۴۰ هجری این سلسله به دوشعبه آل دابویه و پادوسیان تقسیم می گردد. در دوره منصور خلیفه عباسی مردم طالقان سربه شورش برداشتند و خلیفه ماموری به سوی طالقان فرستاد و طالقان، طبرستان و دیلم را گشود تا آنکه آل قارن بسرکردگی و نداد هرمز با همراهی پادوسپانان و ملوک باوند پیشوائی مبارزه علیه اعراب را به عهده گرفته و در سال ۱۶۹ با قتل عام تمام نمایندگان و فرستادگان خلفا حدود گیلان و طبرستان را از تسلط تازیان نجات دادند (مرعشی، بی تا، ۴۶). "براء بن عازب" با سپاهی عازم قزوین شد و پس از آن دستور داده شده بود که به دیلمان برود. مردم پس از رسیدن سپاه تازیان به قزوین از دیلمیان یاری جستند. براء با دیلمیان آنقدر جنگید که به ایشان باز و ساو پرداختند، سپس زنجان را به زور گرفتند. گویند اسپهبد خداوند طبرستان نامه ای به فرستاده تازیان نوشت و درخواست کرد باهم شیوه سازگاری پیش گیرند و وی چیزی به فرستاده بپردازد نه بر کسی باشد نه با کسی (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ۱۵۲۵). مردم طالقان و دیلم در دوره خلافت ابوجعفر منصور عباسی سربه شورش نهادند و وی عمر بن علاء را به سمت آنان گسیل داشت تا شورش ها را سرکوب نماید (یعقوبی، ۱۳۸۲، ۲۸۳). در سال ۲۲۴ هجری سرتاسر کوهستانهای دیلم و طالقان به دست حکومت آل زیار که در حدود دو قرن بصورت دژی محکم در برابر اعراب خودنمایی می کرد محاصره و روانه بغداد شد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰، ۹۰). یحیی بن عبدالله از نوادگان حسن بن علی در زمان خلافت هارون الرشید، خاندان جستانی که به حمایت علویان بری و قزوین ظفر یافته بودند و طرف بیعت آنان یعنی ناصر کبیر داعی حسن بن علی که به ترویج مذهب زیدیه می پرداخت (۲۹۰ هجری)، برشوریدن مرداب و پسر زیار از سرداران و نژاد پادشاهان قدیم (ساسانی) و موسس سلسله آل زیار همگی پایگاههای خویش را در دیلم و کوهستانهای طالقان بنا می ساختند (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۷۲). این مهم نشان از اهمیت

جایگاه جغرافیایی طالقان در ارتباط با نقش مبارزاتی و بستر داد خواهی در برابر حکام مقتدر بوده است. در سال ۴۳۳ هجری نیز گرگان، طبرستان و دیلمان به دست طغرل سلجوقی فتح شد و دوران پادشاهی انوشیروان آخرین شاه سلسله زیاری پایان یافت. در مجموع طالقان از دوره اسماعیلیه بیشتر مطرح می شود و به همین جهت مناسبات فرهنگی آنان نیز بیش از همه متأثر از اسماعیلیه و بواطنه است.

– اسماعیلیه در طالقان

حسن بن علی بن محمد متولد شهرری معروف به حسن صباح در ۴۸۳ هجری به قلعه الموت راه یافت و علوی مهدی را از آنجا بیرون راند، چون کار دعوت حسن فاش شد ملک شاه ارسلانتاش در سال ۴۸۵ لشگری برای دفع وی فرستاد حسن صباح نیز از رئیس فرقه اسماعیلیه بوعلی اردستانی در قزوین استمداد نمود وی نیز از طالقان وری نیرویی به کمکش فرستاد وبا همکاری مردم رودبار بر سپاه ارسلانتاش شبیخون زدند (جوینی، ۱۳۸۷، ۱۱۰). در واقع طالقان نزدیک ترین مسیر ارتباطی به الموت بود و مردم این ناحیه نیز مخالف حکومت عباسی بودند به همین خاطر طالقان یکی از پناهگاههای مهم برای مخالفان بود. اصطلاح الموت از دیرباز نه تنها بریک دهکده خاص دارای استحکامات بلکه بر تمامی منطقه که دراصل بخشی از طالقان را تشکیل می داد اطلاق می شده است. پس از این واقعه حسن صباح در شهرک طالقان لشگری گسیل ساخت که پس از پیکاری سخت شکست خوردند سپس پیروان صباح به قزوین رفته وبا وجود آنکه لشکریان طالقان را پراکنده ساخته بودند اما به دست علی نوشتکین با لشکریان خود اسماعیلیه را شکست داد و در طالقان مقام کرد و پیروان حسن صباح، علی نوشتکین را به زیر آورده و در سال ۵۱۱ لشگری از طرف سلطان محمد برای جنگ با فدائیان آماده گردید. سرانجام نیز در سال ۵۱۸ حسن صباح پس از ۳۸ سال قلعه نشینی دارفانی را وداع گفت (رشید الدین فضل لله همدانی، ۱۳۳۸، ۴۴). پیروان حسن صباح تا سال ۶۵۱ در نواحی طالقان و الموت حدود ۵۰ قلعه در اختیار داشتند و به این ترتیب برای مدت بیش از یک قرن طالقان در قلمرو مبارزات فکری و نظامی اسماعیلیه قرار داشت و به همین خاطر گفته شده مردم طالقان بواطنه (نام دیگر فرقه اسماعیلیه) هستند (مستوفی، ۱۳۸۱، ۶۵). در زمان حسن صباح و جانشینان وی اسماعیلیان ایران برصد و پنجاه دژ دست یافتند که سی و پنج دژ در صفحات طالقان و الموت و رودبار و طارمین بود و هفتاد دژ در بخش های قومس و قهستان (جوزجانی، ۱۳۴۲، ۱۵۴)؛ (ستوده، ۱۳۴۵، ۱۲۷). هر چند براساس بررسی های صورت گرفته روی آثار باستانی شواهدی از وجود مذهب میترائیسم و مهرپرستی در ارتفاعات طالقان دیده می شود، اما به ویژه در دوران اسلامی و قبل از آن طالقان پناهگاه فرقه های نحل بوده است. در بررسی مذاهب و ادیان اصطلاح ملل و نحل بدین معنی است که ملل مذاهب مقبول و پذیرفته شده و مشروع و نحل مذاهب ردیله و مطرود است. طالقان مامن زیدیه و اسماعیلیه یعنی فرقه عهد غلات شیعه گردید و در دوره اسلامی به جهت ارزش استراتژیکی آن جزو قلمرو دیلمیان، آل زیار، آل بویه، زیدیه، علویان و رویان مازندران، سادات مرعشی، باطنیان اسماعیله و نیز سلسله سادات آل کیای گیلان بوده است. جنبش های شیعی (نیمه دوم قرن اول هجری) در ایران کانونهای مقاومت خود را در طبرستان خراسان، ایران مرکزی (ایالت جبال) مستقر ساخته و پایگاههای اساسی نهضت علوی علیه رژیم عباسی بودند تا قرن ششم نیز نقش آفرینی این پایگاههای مذهبی با تمرکز برری و طالقان در ترویج تشیع به اوج خود رسید. بلاد طالقان بین قزوین و اهر از جمله شهرهای تحت تاثیر این موج بود که در ایران نشر بیانیه های مذهبی در منطقه سلسله جبال البرز و راههای صعب العبور امن ترین پناهگاه محسوب می شد (جعفریان، ۱۳۷۷، ۲۱۸).

– طالقان در زمان مغول

در سال ۶۵۱ هلاکو از خراسان، قومس وری عبور کرد، وی هوکتای را با لشکری گران به سوی الموت فرستاد و این عده پس از فتح طارم و رودبار به پای قلعه منصوریه رسیدند، هلاکو در سال ۶۵۴ به سوی طالقان حرکت نمود و از طریق راه شوشه فعلی طالقان و یکی از بهترین مسیرهای سوق الجیشی یعنی گردنه ابراهیم آباد که ارتفاع آن کم و ملایم است به روستاهای زیدشت و شهرک رسید و به سرحد این ولایت دست یافت. چون در ناحیه طالقان مرکب پادشاه نزول نمود قلاع آن ناحیه را محاصره کرد و این واقعه سرانجام به شکست اسماعیلیه انجامید (رشید الدین فضل لله همدانی، ۱۳۳۸، ۲۱۰). حکام مغول در ایران از فدائیان اسماعیلیه به خان مغول شکایت می کردند که برادر وی یعنی هلاکو خان در سال ۶۵۲ با سپاهی سنگین به انهدام قلاع اسماعیلیه پرداختند. مرکز عمده اسماعیلیه کوههای ولایت طالقان و رودبار الموت بود که قریب پنجاه قلعه مستحکم در این حدود وجود داشت و مهم ترین این قلاع لمبه سر، میمون دز و الموت بودند. هلاکو در اواخر رمضان سال ۶۵۴ بر معابر سخت بین رودبار و طالقان مستولی گردید ولی به زودی متوجه شد که با آمدن زمستان و تهیه سیورسات تسخیر قلاع طالقان کار سهلی نیست (اقبال، ۱۳۸۴، ۱۷۶). سرانجام هلاکو برای فتح قلاع الموت از خاک طالقان عبور نمود و قلعه های طالقان از قبیل منصوریه، اله نشین و چند قلعه دیگر را تسخیر کرد. در سال ۶۵۴

خورشاه آخرین پیشوای اسماعیلیه از قلعه خود به زیر آمد. بدین وسیله دولت اسماعیلیه پس از ۱۷۷ سال برچیده شد. پس از به زیر آمدن اسماعیلیه تا روی کار آمدن صفویه، قدرت و نفوذ مرعشیان (بین سالهای ۷۶۰ تا ۷۹۵) با اعتقادات مذهب اثنی عشری و آل کیا در سال ۸۳۱ موجبات تسخیر قلاع مناطق شمالی کشور را فراهم آورد و این حکام حکمروایی خود را در این ولایات برپاداشتند و منطقه طالقان را نیز متأثر ساخته و زیر سیطره خود گماردند.

– طالقان در زمان صفویه

موسس سلسله صفویه شاه اسماعیل صفوی دوران کودکی خود را در میان سلاطین آل کیا تربیت یافته و توانسته بود پس از مراجعت از گیلان گردنکشان سرزمینهای مختلف را از میان بردارد و ثباتی در دستگاه حکومتی کشور پدیدار سازد. او مرکز حکومت را در تبریز قرار داد اما تجاوز مکر عثمانی ها که گاه تا تبریز پیش می آمدند طهماسب را بر آن داشت تا پایتخت را از تبریز به جای دیگر تغییر دهد که احتمال تجاوز به آن وجود نداشته باشد و از سوی دیگر بتواند به راحتی خود را برای سرکوبی تجاوز ازبکان به شرق برساند. بر این اساس قزوین در سال ۹۵۵ ه. ق. پایتخت طهماسب صفوی گردید. تشکیل دولت صفویه بدان جهت که پایتخت این سلسله تا سال ۱۰۰۶ قزوین بود، تأثیر زیادی در وضع مردم طالقان داشت و به رسمیت شناختن مذهب شیعه دوازده امامی در تاریخ طالقان نقطه عطفی محسوب شد، به طوریکه سلاطین وقت فرامین متعددی برای رفاه حال اهالی صادر نموده و برای صوفیان و دراویشی که در آن حدود می زیستند تکایای احداث کردند. این قبیل تکایا در قدیم در غالب بلاد ایران و ممالک اسلامی بود که آنها را خانقاه می نامیدند (صنیع الدوله، ۱۳۰۱، ۴۱). کوهستانی بودن منطقه محل مناسبی برای مخالفان حکومت مرکزی بود، قرن ها پیروان مذهب شیعه اعم از زیدیه و اثنی عشری در این منطقه پایگاه داشتند و همین امر باعث اختلاف بین مردم و سلاطین می شد. در عصر صفوی اختلافات مذهبی تقریباً پایان یافت و ثبات و آرامش به ویژه در قزوین و اطراف آن شکل گرفت به این ترتیب زمینه برای گسترش عقاید شیعه و پرداختن به عمران امام زاده ها در این ناحیه به وجود آمد. در واقع تعداد فرامینی که در این دوره در ارتباط با اراضی موقوفه به منظور برپایی چنین تکایایی در طالقان اجرا شده بسیار زیاد بوده است و به عبارتی کمتر دهکده ای است که دارای اراضی وقفی نباشد. گاه نیز شاهان صفوی، مردم این زاد بوم را به علت فقر زیاد از دادن مالیات معاف می کردند همچون فرمان شاه طهماسب صفوی مبنی بر معافیت ساکنان منطقه از دادن انواع مالیات از قبیل مواشی، مراعی، نساجی و غیره که بر روی سنگ مرمر منقوش بر دیوار امامزاده هارون واقع در قریه "جوستان" نقش بسته است. همچنین تصمیم آوردن آب شاهرود طالقان به قزوین در دوره صفویه مطرح شد که البته با مخالفتی روبرو شد (شاردن، ۱۳۳۰، ۳۷). در اواخر دوره صفویه و ظهور هرج و مرج در کشور و حمله افغان ها به قزوین موجب شد که عده ای از مردم این بلاد به کوهستانهای طالقان پناه جویند، همزمان با این واقعه نیز پتر کبیر به فکر تسلط در شمال ایران افتاد و نواحی شمالی و اوضاع سیاسی ایران دچار ناآرامی شد (لاکهارت، ۱۳۶۴، ۲۳۳).

– طالقان در دوره معاصر

– طالقان در دوره قاجاریه

آقامحمد خان قاجار بعد از اینکه مخالفان خود را در سال ۱۲۰۹ هجری قمری شکست داد، پادشاهی خود را در تهران اعلام کرد که این انتخاب در اوضاع طالقان تحول ایجاد کرد و زمینه جنگ های محلی و داخلی از بین رفت در نتیجه ناامنی ها به نوعی برطرف شد. در این دوره رکن الدوله فرزند فتحعلی شاه از سرداران خاندان رکنی قزوین حاکم قزوین و طالقان شد. ساخت حمام ها و حسینیه ها و سایر کارهای عمرانی در دوره محمد شاه قاجار بین سالهای ۱۲۵۰-۱۲۶۴ نشان از علاقه شاهان قاجار به طالقان دارد که حمام شهرک طالقان یکی از اماکن تاریخی این دوره است. سفر ناصرالدین شاه و دستور تألیف اولین کتاب راجع به جغرافیا و تاریخ طالقان در واقع نخستین گام در فرهنگ و علم این منطقه طی چندین قرن اخیر بوده است. وی حتی برای برخی از مشایخ صاحب نام طالقان نیز مستمری تعیین کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳، ۴۸). از اتفاقات مهم این دوره تبعید فرهاد میرزا پسر عباس میرزا و عموی ناصرالدین شاه به طالقان است یعنی جایی که تیول وی نیز محسوب می شد. فرهاد میرزا سرانجام از بیم جان و طاقت فرسا بودن زندگی در طالقان در سال ۱۲۷۸ بدون اجازه دولت به تهران عازم شد و پناهنده سفارت انگلیس شد (معمدالسلطنه، ۱۳۶۹، ۴۶). سالهای پایانی حکومت ناصرالدین شاه مقارن با اوجگیری تلاشهای سیاسی بود که به استقرار مشروطیت پیوند خورد. شکاف و دودستگی بین روحانیون گروهی از روحانیان طالقان را به بیطرفی کشانید و عده ای را همچنان در جبهه مشروطه خواهان نگاه داشت. طلاب

طالقان درانجمن های سری آن زمان نیز فعالیت مستقیم داشتند که در راستای پاسداری از انقلاب و در تشکیلات مذهبی دنبال می شد (اعظام قدسی، ۱۳۴۲، ۹۵).

- طالقان و ظهور انقلاب

حوادث و دگرگونی های بعد از انقلاب مشروطه دلبستگی مذهبی و اعتقادی مردم طالقان را بیش از گذشته تقویت بخشید و سرانجام به انقلاب اسلامی پیوند خورد. در این راستا می توان از فعالیت های سید ابوالحسن طالقانی پدر آیت الله طالقانی با عباسقلی پدرمهندس بازرگان به منظور تشکیل جلسات جهت ارشاد و انتشار مجله "بلاغ" در سال ۱۳۰۳ که نهایتاً منجر به شکل گیری نهضت بیدارگری اسلام در میان مردم شد، نام برد (مراد و دیگران، ۱۳۶۲، ۱۵۸). در سال ۱۳۳۳ با برافراخته شدن آتش جنگ جهانی اول و نفوذ قوای بیگانه به داخل کشور به ویژه بخشهای شمالی ایران منجر به شکل گیری نهضت چریکی جنگل شد که یکی از اعضای آن دکتر ابراهیم حشمت شهراسری از توابع طالقان بود. این مبارزه با رهبری هیئت اتحاد اسلام دنبال شد و با اعدام دکتر حشمت دوران فرمانروایی هیئت اتحاد اسلام که به کمیته اتحاد اسلام تغییر یافته بود پایان یافت. مردم طالقان در حوادث گیلان و مقاومت در برابر قرارداد ۱۹۰۷ همکاری های گسترده ای داشتند از جمله: دکتر حشمت، شیخ محمود طالقانی که موجب پیوستن خوانین دیلمان به نهضت جنگل شد، میرزا علی خان شهراسری رئیس شهربانی ساری و نجان که پس از تجاوز روسها اعدام شد، میرزا غفارخان حکمران قم، عبدالله خان کرکودی چریک نظام ملی و از جمله مجاهدین در لشت نشا. در این دوره تلاشهای بسیاری در جهت تجهیز منطقه طالقان به امور فرهنگی شد همچون افتتاح دبستان در داخل دهکده ها که در سال ۱۳۴۵ تعداد دبیرستان و مدارس ابتدایی به ترتیب به چهار مرکز و ۵۱ دبستان افزایش یافت، همچنین کلاسهای برای سپاه دانش و سالمندان فراهم شد و در سال ۱۳۴۴ نیز تلفن از طریق آبیک-صمغ آباد به مرکز طالقان کشیده شد. در راستای انقلاب اسلامی نیز بسیاری از انقلابیون از این منطقه به عنوان پناهگاه استفاده کردند و مدتی سکنی گزیدند مثل نواب صفوی که در روستای ورکش ساکن بود، بسیاری از اعلامیه ها در طالقان تکثیر می شد و کتبی که از نظر دستگاه سیاسی وقت مطالعه آن ممنوع بود در طالقان به سهولت به دست می آمد که همه این فعالیت ها زیر نظر آیت الله طالقانی از روستای "کلیرد" انجام می شد. در این دوره مبارزات آیت الله طالقانی در دوجبهه صورت می گرفت: نیروهای واپس گرا و جریانات ماتریالیسم و مارکسیسم. وی با برگزار کردن کلاسهای تفسیر قرآن و بحث های دینی سعی در جذب اقشار جوان داشت، در سال ۱۳۳۹ در جبهه ملی دوم حضور یافت و پس از مدتی همراه با مهندس بازرگان و دکتر سحابی نهضت آزادی ایران را تاسیس کردند که سازمانی بود برای مبارزه با استعمار و استبداد (اسناد ساواک، ۱۳۸۱، ۱۵). همانطور که از قرائن و شواهد تاریخی دریافت شده است سکونتگاههای طالقان به لحاظ موقعیت جغرافیایی سخت، به گونه ای استقرار و استمرار یافتند که به فراخور این موقع ویژه به بازتولید سبک خاصی از معیشت دست یازیدند. درواقع بسترهای محیط طبیعی این دیار به شکلی که در دشتهای شمالی کشور رایج است، فاقد شرایط مطلوب برای کشت و زرع وسیع و گسترده بود به همین خاطر کشاورزی بسیار محدود و خرد، به علاوه شرایط دامداری سخت در کوهستانهای بسیار سرد، کفاف معیشت ساکنان را نمی داد در نتیجه ناگزیر به انتخاب مشاغل دیگری برای گذران زندگی بودند و به کوچ موقت دست می زدند. بنابراین بیشتر مردم طالقان را دبیران، تغزیه خوانان، روحانیان، نویسندگان و در برخی مواقع معدود تجار نمک و لبنیات تشکیل می دادند که به بلاد شمالی کشور (گیلان، مازندران، کلاردشت و تهران) برای تدریس و انجام امور مزبور مراجعت می کردند. مردمان این زاد بوم به منظور امرار معاش خود در فصل تابستان به دامپرووری و کشاورزی در اراضی ای می پرداختند که اغلب از رطوبت شبنم تغذیه می شد به این صورت که در هنگام غروب آفتاب این رطوبت از کوهستانهای البرز به صورت پیش رونده ای سطوح اراضی را مشروب می ساخت و از این طریق به ویژه اراضی دیم در طول شب آبیاری می شد، وسایل کشاورزی نیز بصورت سنتی بود چراکه وسایل مکانیزه به علت خرده مالکی و کوهستانی بودن اراضی در منطقه جایی باز نمی کرد. برخی مزارع دارای آب چشمه بودند که داخل استخر یا محلی به نام "اصل" جمع می شد تا صبح پر شود اصل ها در مرتفع ترین نقطه مزرعه ساخته می شدند تا مشرف به کل مزرعه باشند. در فصل زمستان نیز عمدتاً از طریق تهاوت و کوچ موقت به گذران زندگی می پرداختند این ارتباطات از طریق گذرگاهها و گردنه های کوهستانی خاصی میسر می شد که "گدوک" می نامیدند. درواقع تولیدات کشاورزی فقط احتیاجات حداقل شش ماه از سال ساکنین این منطقه را پوشش می داد در نتیجه ساکنان مجبور بودند به منظور تامین معاش به استان های دیگر رفته و به کار مکتب داری، میرزایی، تغزیه خوانی و از این دست مشاغل بپردازند از جمله مشاغل عمده این خطه باتوجه به ساخت اقتصادی و فرهنگی آن عبارت است از: بلدراه یا دلیل راه، چاروداری، آب دنگ بانی، معین البکاء، قباله نویسی، قرآن نویسی، آسیابانی، اسلحه سازی و پالان دوزی. معمولاً اغلب اقشار اجتماعی طالقان را متفقدانی تشکیل میدادند که شامل دبیران و مدرسان علوم به ویژه در حوزه مذهبی و یا مسئول دفتر یکی از صاحبان اندیشه و مبارزین و مخالفین نظام سیاسی وقت بودند. مردمان طالقان از دیرباز تا امروز اغلب به امور فرهنگی گرایش داشتند به همین دلیل نیز بسیاری از سادات و سرمداران مذهبی، طالقان را برای پناهگاه و ادامه تلاشهای دینی و فرهنگی انتخاب می کردند در این رابطه می

توان از صاحب بن عباد وزیر فخرالدوله و موید الدوله دیملی دربار آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ هجری) از اهالی روستای "جوستان" نام برد که از پیروان مذهب زیدیه و مشاهیر فرهیخته زمان خویش بود (بهمنیار، ۱۳۴۴، ۳۶). علاوه بر این موقعیت جغرافیایی منحصربه فرد طالقان مجال خودمختاری، استقلال و خودبسندگی ویژه ای را به روستاها می داد که طی آن مدیریت و اداره امور روستاییان به دست کدخدا و بزرگ زادگانی بود که به اقتدار و زومداری دراقصی و اکناف نامی بودند و نه تنها حاکمیت کل روستا را در دست داشتند بلکه در اغلب مواقع در نواحی اطراف نیز به جهت فعالیت های گوناگون صاحب آوازه بودند و همین امر نیز سبب می شد به نافرمانی از اوامر حکومت مرکزی دامن زده و اهالی روستا را تابع و مطیع خویش سازند به گونه ای که این حاجی زادگان و خوانین تماما صاحب جان و مال و مکتب رعایایی بودند که شامل توده مردم روستا می شدند. به این ترتیب بیشترین هدف سکونت گزینی در طالقان صرف نظر از گزینش یک مکان مناسب برای تجميع نیازهای اولیه و دستیابی به امنیت، انتخاب مامنی به منظور پیشبرد مقاصد انقلابی و ترویج بیانیه های سیاسی و مذهبی بود. امروزه نیز هنوز آثار بجای مانده از پناه جویانی که انگیزه گریزشان حفظ دین و پرداختن به امور مذهبی و مبارزاتی بود در طالقان وجود دارد که می توان در این خصوص به باقی مانده های نسل گبرها (زرتشتیان) در روستای سگبران (سگران)، اسماعیلیان، بواطنه و زیدیه اشاره کرد.

- وضعیت زمینداری و گونه شناسی سکونت در طالقان

سکونتگاههای روستایی طالقان معمولا در دو جبهه گسترش یافته است یا بر اساس مسیر رود و یا بدون توجه به مسیر رود و به دلایل امنیتی با توجه به کوهستانی بودن منطقه با الگوی متراکم باز روی شیب استقرار یافته اند. در واقع الگوی اسکان سکونتگاهها در این منطقه با توجه به وضعیت معیشتی و اقلیمی شکل گرفته است. بر اساس اسناد بازمانده می توان نمونه هایی از تکامل زمین داری را در راستای شکل سکونت در طالقان و نحوه تاثیر گذاری این نوع اقتصاد را بر معیشت ساکنان باز یافت. اگرچه مالکیت های بزرگ فئودالی در این منطقه نیز همچون سایر نقاط کشور بنیادی نداشت و کشاورزی قرن ها در این منطقه به عنوان شاخه فرعی در کنار اقتصاد شبانی قرارداد داشت، آثار و خرابه های روستاهای کهن در عمق دره ها و ارتفاعات و در کنار قلاع پراکنده حکایت از اهمیت نظام دامداری در این بخش دارد هم چنین پیدایش و جابجایی بعضی از روستاها و افزایش اراضی در طرفین رودخانه شاهرود به چند قرن می رسد. زمینداری در همه جای طالقان دارای سرگذشت ویژه ای است که با مبارزات دهقانی همراه بوده است، پرداخت بهره مالکانه نیز در دونوبت بصورت نقد و جنس انجام می گرفت (پاولویچ و همکاران، ۱۳۲۹، ۱۴). به طور کلی پیشینه زمینداری در طالقان به صورت زیر بوده است:

اراضی اشتراکی: که در دوره مغول "یورت" و دوره صفوی "اکما" خوانده می شد به زمین های سلطنتی و اقطاعی تبدیل گردید و مراتعی بود که در اختیار یک ایل قرار می گرفت هم اکنون نیز به عنوان چراگاه استعمال می شود.

اراضی دیوانی: که در مالکیت دولت قرار دارد و به ازای پرداخت مالیات مورد استفاده دهاقین قرار می گیرد.

اراضی خالصه: متعلق به شخص شاه که بیشتر از طریق ضبط و مصادره و اگذار می شد طالقان نیز که تا دوران اخیر جزء گیلان و در دوره صفویه از جمله مناطق دیلم محسوب می شد به صورت خالصه فهرست اراضی سلطنتی قرار گرفت (برن، ۱۳۸۳، ۱۷۷).

اراضی وقفی: این اراضی به دلایلی همچون مصون ماندن از تجاوز، معافیت از پرداخت مالیات، جلوگیری از قطعه قطعه شدن در طالقان و دهستانهای آن روزه روز افزایش می یافت.

اراضی خصوصی: وسعت این اراضی هرگز در حدی نبود که به پیدایش فئودالیسم و بینجامد و عموما هر خانواده مالک تکه زمینی کوچک بود که روی آن کار می کرد و یا به اجاره گرفته می شد.

هم اکنون در طالقان می توان مالکیتها و مناسبات اراضی را به سه دسته تقسیم نمود: موقوفه، شخصی و مشاع که منافع حاصل از اراضی مشاع مانند کوهها و حدود دهات و چراگاهها بیشتر صرف مصالح عمومی مردم دهات مانند ساختن گرمابه ها، مساجد، مدارس، راهها و دستگیری از مستمندان می شود.

همچنین اراضی دیمی و آبی نیز در طالقان وجود دارد که هریک به کشت محصولات خاصی اختصاص دارد. در مجموع شیب بسیار تند، موقعیت قطعه زمین (لب پرتگاه و یا در ارتفاعات زیاد عدم دسترسی به آن) موجب می شود که مساحت زیادی از اراضی طالقان به صورت بایر بماند. با توجه به خاکی بودن بسیاری از کوههای طالقان این اراضی سهم زیادی در جابجایی و فرسایش اراضی دارند. به علاوه وسعت زیاد اراضی بایر در ارتفاعات رسیدگی به موقع را محدود ساخته است که به نابودی پوشش اراضی انجامیده است. بنابراین دامداری و اقتصاد شبانی در مناطق کوهستانی طالقان جایگاه ویژه ای دارد به همین خاطر در این رابطه می توان اذعان داشت طالقان به دلیل شرایط توپوگرافی و کوهستانی بودن، نبود کارگر فراوان، سختی راههای مواصلاتی، دره ای بسته بودن در حصار ارتفاعات، هوای سرد و زمستانی سخت، نمی تواند به عنوان قطب صنعتی در نظر گرفته شود.

- وضعیت کنونی طالقان

استان البرز در سال ۱۳۸۹ به طور رسمی با تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران شکل گرفت که در این طرح "کرج" به عنوان مرکز استان در نظر گرفته شد و در ادامه شهرستانهای استان البرز نیز شامل شهرستان کرج، ساوجبلاغ، نظرآباد و طالقان شدند. طالقان در ۵ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۲۳ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۲۰ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۱۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. شاهرود رگ حیاتی این سرزمین دیر سال، از کوهپایه های شرقی آغاز و با طولی نزدیک به ۱۰۵ کیلومتر به غرب می رود این شریان آبی بیش از ۱۵ رودخانه کوچک و بزرگ منطقه را که از چشمه سارها و برفاب ها سرچشمه می گیرند، همراه خود تا سپید رود می برد تا با آبهای قزل اوزن آمیخته و راهی دریای خزر شود. شهر طالقان امروزه از دو بخش مرکزی، و بالا طالقان تشکیل شده است. بنابر سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت شهرستان طالقان در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۵۰۷۸۱ نفر بوده است. اما در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ به آمار قبلی حدود هزار نفر اضافه شد و به تعداد ۲۶۹۷۶ نفر رسید. در سال ۱۳۹۲ نیز این منطقه از دویخش با ۸۲۱۲ خانوار و ۲۳۷۶۵ نفر جمعیت برآورد شد که از حدود ۸۶ روستا تشکیل شده است (سازمان آمار و نفوس مسکن). یکی از اتفاقات مهم در دوران معاصر احداث سد طالقان به منظور مشروب ساختن اراضی و انتقال آب آشامیدنی به تهران، کرج و قم است که اثرات بی شماری در وضعیت معیشتی ساکنان منطقه مورد نظر ایجاد کرده است. در سال ۱۳۴۸ خورشیدی به منظور انتقال آب طالقان به دشت قزوین، ساخت سد انحرافی سنگبان در طالقان و تونل انتقال آب به طول ۹ کیلومتر تا زیاران (از توابع بخش مرکزی شهرستان آبیک استان قزوین) و سد انحرافی زیاران و مجموعه کانال های آبیاری دشت قزوین آغاز شد و در همان زمان مطالعاتی پیرامون سد مخزنی ذخیره سیلاب های بهاره رود طالقان نیز انجام شد اما ساخت آن با توجه به شرایط کشور تا سال ۱۳۸۱ خورشیدی به تعویق افتاد. در ابتدای سال ۱۳۸۱ خورشیدی عملیات ساخت سد مخزنی طالقان آغاز شد و در سال ۱۳۸۵ به بهره برداری رسید. سد طالقان، سدی خاکی با هسته رسی است که ۱۷۸۹ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. نیروگاه غرقابی طالقان نیز که در زیر دریاچه سد طالقان ساخته شده است ۱۸ مگاوات ظرفیت تولید برق دارد. این طرح به ارزش حدود ۱۴۳ میلیون دلار با همکاری شرکت "مهندسی آب و منابع نیروگاهی آبی" چین اجرا شده است. احداث سد به ویژه به لحاظ توجه به صنعت اکوتوریسم و گردشگری موجبات افزایش سرریز جمعیت شهرنشین به منظور گذران اوقات فراغت را فراهم ساخت. شهرستان طالقان به سبب قرار گیری در حاشیه مادر شهر تهران توانسته است گروه هایی از طبقات اجتماعی با سطح درآمد بالا را به سوی خود جذب کند به صورتی که امروزه به صورت منطقه ییلاق نشینی برای تهران درآمده است. در دهه های اخیر به دلیل گسترش ارتباطات و نزدیکی به شهرهای بزرگ (تهران و کرج) ابتدا افراد غیر بومی در اراضی زراعی و باغی منطقه سرمایه گذاری کرده و باغداری و ایجاد خانه های دوم را در منطقه رواج دادند. افراد بومی نیز به دلیل تجربه موفق این باغداران، اقدام به سرمایه گذاری نموده و باغداری را در روستاهای منطقه گسترش دادند. در دوره کوتاهی منطقه به سرعت تحت تأثیر قرار گرفت و اراضی زیادی یا تبدیل به باغ شدند و یا تغییر کاربری از اراضی کشاورزی به مسکونی دادند. دامنه گسترش این اراضی روز به روز بیشتر شده و با سرعت به زمین های خارج از روستا پیش می رود که در نتیجه آن از مقدار زمین های زراعی آبادی ها کاسته شد. با احداث سد طالقان بیش از ۹۶۰ کیلومتر مربع از مرغوب ترین اراضی منطقه به زیر آب رفت در نتیجه ساخت و سازها به میزان ۱۳۱۸۸ مترمربع افزایش یافت. نتایج حاکی از آنست که سطح اراضی دیم منطقه طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۶ به میزان ۷۱ درصد کاهش یافت، از سوی دیگر سطح اراضی با کاربری کشاورزی آبی در فاصله سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۵ به میزان ۶۴ درصد کم شدند. سطح اراضی زراعی از ۵۳۴۱ هکتار در سال ۱۳۸۰ به ۲۴۴۷ هکتار در ۱۳۸۲ و ۱۶۸۰ هکتار در سال ۱۳۸۶ کاهش یافت همچنین تولید زراعی منطقه از ۱۲ هزار تن در ۱۳۸۱ به ۵ هزار تن در ۱۳۸۶ رسید. هر چند گردشگری در منطقه و روستاهای آن تأثیرات مثبت و مطلوبی داشته، اما در سال های اخیر به دلیل نبود برنامه و سیاست مشخص و نبود مکان های خدماتی، مشاهده می شود با گسترش گردشگری در منطقه و افزایش ساخت و سازها روز به روز محیط طبیعی محدودتر شده و از بکر بودن خارج می شود به طوری که احداث خانه های جدید ویلایی، امکانات اندک روستا را یک جا به خود اختصاص داده است (شهرداری شهرستان طالقان).

- نتیجه گیری

طالقان در طی گذارهای تاریخی براساس موقعیت جغرافیایی خود مبنی بر کوهستانی بودن و قرارگیری در ارتفاع، همواره مقر سکونتگاههای بوده است که برپایه ساختارهای توپوگرافیک و اقلیم سرد و خشک به صورت متمرکز شکل گرفته است. روستاهای این ناحیه که اغلب در نقاط دوردست حیات یافته اند از حصار کوهستان به عنوان دژی به منظور اسکان خود استفاده نمودند. از دیرباز غالب ساخت معیشتی سکنه این منطقه برگرفته از ساختارهای جغرافیایی، برپایه اقتصاد شبانی تطور یافته که به نوبه خود شالوده سکونت گزینی و استقرار روستاهای مجتمع این دیارگشته است. شواهد و مدارک تاریخی حاکی از آنست که طالقان به سبب برخورداری بودن از موقعیت امن و مسکوت جایگاه مناسبی به منظور پناه جستن می توانست باشد. در نتیجه چهره های تاریخی و مبارز بی شماری از این فرصت استفاده نموده و در این سرزمین مکانی برای استقرار خویش تعبیه کردند. بنابراین ساخت مذهبی و فرهنگی منطقه مورد نظر نشأت گرفته از حضور و فعالیت چنین کنشگرانی به شکل برجسته ای در معیشت ساکنان بروز یافت و فضای جغرافیایی منبعث از ساختارهای اقتصادی-اجتماعی مزبور در طول فرآیندهای تاریخی را متأثر ساخت. بر مبنای روندی که از گذشته تاکنون طی شده دسترسی به منابع طبیعی آب و خاک و به ویژه سهولت تامین امنیت برای روستاییانی که گریزگاهی یافته بودند منجر به پایداری سکونتگاههای روستایی این ناحیه شد. از طرفی طالقان به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی پناهگاهی خود در درازنای تاریخ بسیار مهجور و خاموش باقی مانده است و به نظر می رسد نظام های سیاستگذاری نیز همواره از همین روند محافظه کارانه و البته محدود، به منظور تصمیم گیری و برنامه ریزی در طالقان استفاده نموده اند. امروزه نیز با روی کار آمدن نیازهای جدید در غالب تغییرات اقتصادی و سیاسی در واقع ارزش فضا از بهره گیری صرف کشاورزی و دامداری به سمت صنعت گردشگری به خصوص از نوع اکوتوریسم چرخش پیدا کرد. اما به دلیل نداشتن رویکرد مشخص در امر برنامه ریزی و شناخت ناکافی از پیشینه تاریخی و گستره جغرافیایی منطقه، نظام های سیاستگذاری و برنامه ریزی نتوانسته اند گامی در جهت توسعه و پیشبرد مقاصد اقتصادی و فرهنگی برداشته و مانع از مهاجرت های بی رویه ساکنان این منطقه شده و به ابقاء کارکردهای فضایی ناحیه مورد نظر بپردازند. پژوهش حاضر برپایه ارجاع به مستندات معتبر و اصیل تاریخی به دنبال تبیین و تحلیل آثار جغرافیای تاریخی طالقان بر شکل گیری ساخت اقتصادی و فرهنگی منطقه مورد نظر بوده است تا با این پیش زمینه در جریان تصمیم سازی و برنامه ریزی در راستای توسعه این خطه گامی پیش رود.

- فهرست منابع

- چکنگی، علیرضا، (۱۳۷۸)، فرهنگنامه تطبیقی نامهای قدیم و جدید مکانهای جغرافیایی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲-۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، موسسه لغتنامه دهخدا ذیل ماده طالقان
- یاسنت لویی، رابینو، (۱۳۳۶)، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- اشپیگل، گیگر، ویندیشمن، سن جانا، (۱۳۴۳)، عصرآوستا، ترجمه مجید رضی، نشر آسیا
- مشکور، محمد، (۱۳۹۳)، جغرافیای تاریخی ایران، نشر دنیای کتاب تهران
- ابن حوقل، محمد علی، (۱۳۴۵)، صورالارض، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- اصطخری، ابراهیم، (۱۳۴۰)، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۷۷)، مسالک و ممالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار تهران بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
- قزوینی، زکریای بن محمد بن محمود، (۱۳۷۱)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاهمرادی، دانشگاه تهران، تهران
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران بنیاد فرهنگ ایران
- بهمنیار، احمد، (۱۳۴۴)، صاحب ابن عباد، به کوشش ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات دانشگاه تهران
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن سلجوقی، ترجمه حسن انوشه، نشر امیرکبیر
- اقبال، عباس، (۱۳۸۴)، تاریخ مغول، نشر امیرکبیر
- ابن مقفع، ابومحمد عبدالله، (۱۳۵۴)، نامه تنسربه گشنسب، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات خوارزمی
- جریر طبری، محمد، (۱۳۶۸)، تاریخ طبری، ج ۵ ترجمه ابولقاسم پاینده
- صنیع الدوله، محمد حسن خان، (1301)، جغرافیای قدیم و جدید طالقان، نسخه خطی کتابخانه گلستان
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۷۳)، التدوین فی احوال جبال شروین، تصحیح مصطفی احمدزاده، نشر فکرروز، تهران
- ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۷۰)، تاریخ کامل ابن اثیر برگردان دکتر حسین روحانی، نشرات اساطیر جلد ۴
- شیروانی (مست علیشاه)، حاج زین العابدین، (۱۳۸۹)، بستان السیاحه، تصحیح منیژه محمودی نشر حقیقت
- کیهان، مسعود، (۱۳۱۰)، جغرافیای مفصل ایران، مطبعه مجلس، تهران
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳)، ایران شهر، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات تهران
- کشاوری، کریم، (بی تا)، کتابخانه ابن سینا، گیلان
- ستوده، حسینعلی، (۱۳۵۰)، قلمرو شاهنشاهی هخامنشی بررسی های تاریخی، مجله تاریخ و تحقیقات ایرانشناسی شماره ۳۳ نشریه ستاد بزرگ ارتش تاران
- بوبک، هانس، (۱۳۳۵)، تحقیقات من در ایران، ترجمه مستوفی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال سوم
- میرابوالقاسمی، محمد، (۱۳۶۹)، گیلان از آغاز تا مشروطه، انتشارات هدایت، رشت
- خوچکو، الکساندر، (۱۳۵۴)، سرزمین گیلان، برگردان سیروس سهامی نشر پیام
- بازوی توانای اسلام یاران امام به روایت اسناد ساواک، (۱۳۸۱)، مرکز بررسی های تاریخی، تهران
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۷)، تاریخ تشیع در ایران، نشر تبلیغات اسلامی
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی ج ۲، تهران
- یعقوبی، اسماعیل، (۱۳۷۵)، آشنایی با مشاهیر طالقان، موسسه فرهنگی انتشاراتی محسنی، تهران
- پیرنیا، حسن، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران باستان، انتشارات افسون، تهران
- واسیلی، بارتولد، (۱۳۰۸)، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، اتحادیه ایران
- گلریزی، سید محمد علی، (۱۳۸۲)، مینودریا باب الجنه قزوین، نشر طه تهران
- کسروی، احمد، (۲۵۳۵)، شهریاران گمنام، بی نا

- مرعشی، ظهیرالدین، (۱۳۶۴)، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهرستوده، نشر اطلاعات
- کریستنس، آرتورامانوئل، (۱۳۶۷)، ترجمه رشید یاسمی، ایران دوره ساسانی، نشر صدای معاصر
- مرعشی، ظهیرالدین، (بی تا)، تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، انتشارات شرق
- حموی، یاقوت، (۱۳۸۳)، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، نشر سازمان میراث فرهنگی
- عطاملک جوینی، علاء الدین، (۱۳۸۷)، تاریخ جهاننگای جوینی، به تصحیح محمد قزوینی، نشر هرمس
- همدانی، رشید الدین فضل لله، (۱۳۳۸)، فصلی از جامع التواریخ، نشر فروغی
- مستوفی، حمد لله، (۱۳۸۱)، نزه القلوب، نشر حدیث امروز، قزوین
- جوزجانی، قاضی منهج الدین بن سراج محمد، (۱۳۴۲)، طبقات ناصری، تصحیح عبدعلی حبیبی، نشر تاریخ وزارت معارف
- ستوده، منوچهر، (۱۳۴۵)، قلاع اسماعیلیه، نشر دانشگاه تهران
- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن، (۱۳۲۰)، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران نشر کلاله خاور
- شاردن، ژان، (۱۳۳۶)، سیاحتنامه، ج ۳، ترجمه محمد عباسی، نشر پیروز، دایرالمعارف تمدن ایران
- لاکهارت، لارنس، (۱۳۶۴)، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، نشر مروارید
- معمدالدوله، فرهاد میرزا، (۱۳۶۹)، تصحیح غلامرضا طباطبایی، انتشارات علمی فرهنگی
- اعظام قدسی، حسن (اعظام الوزاره)، (۱۳۴۲)، تاریخ صدساله ایران، چاپخانه حیدری
- آمراد، الگار، حامد و دیگران، (۱۳۶۲)، نهضت بیدارگری در جهان اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، انتشارات فرهنگ
- برن، رهر، (۱۳۸۳)، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- م. پاولویچ، و. تریاس، س. ایرانسکی، (۱۳۲۹)، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه های اقتصادی اجتماعی آن، ترجمه م. هوشیار، نشر رودکی
- شهرداری شهرستان طالقان
- سازمان آمار و نفوس مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰
- بخشداری طالقان ۱۳۸۰

Diakonoff, I. M., (1956), istorija midii ol drevnejsix vremen do kontsa IV v. do n. e., akademiia nauk cccp, Moskva-leningrad.

Prasek, J. v., (1906), geschichte der meder und perser bis zur makedonischen eroberung I: geschichte der meder und des reichs der lander, handbucher der alten geschichte 1/5.1. gotha: perthes, xii